



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

۲۲ سسال از مذاکرات سعدآباد می‌گذرد و سلاز قدیمی «تعلیق موقت غنی‌سازی» دوباره کُوک شده است. آمریکایی‌ها می‌خواهند همان الگوی تروئیکای اروپایی در ماجرای مذاکرات سال ۸۲ را تکرار کنند. «تعلیق غنی‌سازی» اما دو معنای کاملاً متفاوت از یکدیگر دارد. یکی توقف موقت گازدهی به سانتریفیوژها، یعنی همان کاری که ایران در مقاطعی مثل توافق سعدآباد به‌صورت داوطلبانه انجام داد و دیگری برچیدن کامل تأسیسات هسته‌ای که عملاً به معنای نابودی زیرساخت‌های علمی و صنعتی کشور است. اولی شاید در مذاکراتی منطقی و با حسن‌نیت قابل بحث باشد؛ اما همانطور که مسئولان نظام بارها تأکید کرده‌اند، دومی یک «خط قرمز غیرقابل مذاکره» است. مرور تجربه سعدآباد درحالی‌که آمریکایی‌ها دوباره بحث تعلیق را پیش کشیده‌اند، نشان می‌دهد چرا این داستان برای ایران مثل یک فیلم تکراری است که پایانش از قبل معلوم است.

■ بازی تکراری تعلیق غنی‌سازی

در مهرماه ۱۳۸۲، ایران در کاخ سعدآباد تهران با وزرای خارجه سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) توافقی امضا کرد که به بیانه تهران یا همان توافق سعدآباد معروف شد. ایران در این توافق پذیرفت به‌صورت داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم را در نظنز متوقف کند، پروتکل الحاقی را اجرا کند و همکاری کاملی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته باشد. در مقابل، اروپایی‌ها قول دادند حقوق ایران تحت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را به رسمیت بشناسند، از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت جلوگیری کنند و برای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO) تلاش کنند. روی کاغذ همه‌چیز خوب بود، اما در عمل ایران تعهداتش را نقد و کامل اجرا کرد و طبق معمول اروپایی‌ها جلوی چکه‌کردن آب از دستشان را گرفتند.

حسن روحانی که در آن زمان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول مذاکرات بود، در کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» و خاطرات منتشرشده در نشریه «آگاه‌نو» می‌گوید این توافق قرار بود نقشه راهی باشد برای حل مناقشه هسته‌ای و جلوگیری از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت. اما چه شد؟ اروپایی‌ها نه‌تنها به تعهداتشان عمل نکردند، بلکه بعد از مدتی کوتاه، با فشار آمریکا، تعریف «تعلیق» را تغییر دادند و خواستار برچیدن کامل تأسیسات هسته‌ای ایران شدند. روحانی می‌گوید آن‌ها «وقت‌کشی» کردند و پیشنهادهایی دادند که او خودش در نامه‌ای به «محمد البرادعی»، مدیرکل وقت آژانس آن‌ها را به «کاپیتولا سسیون» تشبیه کرد.

■ تله اعتمادسازی

در مهر ۱۳۸۲ ایران تحت فشار قطعنامه شورای حکام آژانس (شهریور ۱۳۸۲) که مهلتی ۵۰روژه برای تعلیق غنی‌سازی و پذیرش پروتکل الحاقی تعیین کرده بود، وارد مذاکره با سه کشور اروپایی شد. این مذاکرات در شرایطی برگزار شد که ایران به‌تازگی به فناوری غنی‌سازی دست یافته بود و غرب، با حمایت رژیم صهیونیستی و گروهک منافقین، فضایی از وحشت و اتهام علیه برنامه هسته‌ای ایران ساخته بود. روحانی و تیمش با اصول «اعتمادسازی» و «تش‌رذهایی» وارد مذاکره شدند و فکر می‌کردند با دادن امتیازات نقد (مثل تعلیق گازدهی در نظنز و اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی) می‌توانند جلوی ارجاع پرونده به شورای امنیت را بگیرند. اما مشکلات زودتر از مذاکرات شروع شد. هماهنگی داخلی در ایران چندان قوی نبود. روحانی در کتابش می‌نویسد برخی نمایندگان مجلس ششم طرح سه‌فوریته برای الزام دولت به پذیرش پروتکل الحاقی آماده

«فره‌یختگان» ماجرای تعلیق غنی‌سازی و تجربهٔ ناگوار اوایل دههٔ ۸۰ را بازخوانی می‌کند

مخاطرات و خاطرات سعدآباد



به تعهداتش‌شان عمل نکردند. آن‌ها نه‌تنها از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت جلوگیری نکردند، بلکه در مرداد ۱۳۸۴ پیشنهاد جدیدی ارائه کردند که روحانی آن را «توهینی به ملت ایران» و شبیه به «کاپیتولاسیون» توصیف کرد. این پیشنهاد عملاً خواستار توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران بود، درحالی‌که در مقابل، وعده‌های مبهمی مثل «تلاش برای حمایت از عضویت ایران در WTO» مطرح شده بود. علی لاریجانی که در آن زمان عضو شورای عالی امنیت ملی بود، مذاکرات سعدآباد و پاریس را به «دادن مروارید غلطان و گرفتن آبنبات» تشبیه کرد. او معتقد بود ایران امتیازات عینی و نقد داد، اما در مقابل چیزی جز وعده‌های توخالی نگرفت. روحانی هم در نامه‌ای به البرادعی در مرداد ۱۳۸۴ نوشت ایران در ازای اقدامات اعتمادساز، «تقریباً هیچ» دریافت نکرد و با درخواست‌های بیشتر و قول‌های انجام‌نشده مواجه شد.

■ سایه سعدآباد برمسقط

حالا، در سال ۱۴۰۴ آمریکایی‌ها دوباره همان مسیر را می‌روند، اما این‌بار با لحنی تندتر و تحت هدایت تیمی که به قول تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزارت خارجه، با «موانع زیگزاگی و متناقض» فضا را مشوش می‌کند. استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ سیاست «غنی‌سازی صفر» را دنبال می‌کند، سیاستی که نه‌تنها غیرو پینامه است بلکه سابقه‌ای ۲۵ساله از شکست دارد. دستگاه دیپلماسی ایران بارها اعلام کرده غنی‌سازی، حق مسلمش تحت NPT است و «برای غنی‌سازی از کسی اجازه نمی‌گیرد.» اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، استدلال آمریکایی‌ها را «سفسطه» می‌خواند و می‌گوید اگر غنی‌سازی به معنای حرکت به سمت بمب است، پس چرا تأسیسات کره جنوبی، برزیل و دیگران جمع نمی‌شود؟ حالا با گذشت بیش از دوده‌ه از دودعه‌ای برای توقف دائم است. در دوباره به دنبال تعلیق موقت به‌عنوان مقدمه‌ای برای توقف دائم است. در سعدآباد ایران با حسن‌نیت گازدهی را متوقف کرد؛ اما اروپایی‌ها بعد از مدتی کوتاه دبه درآوردند و خواستار برچیدن تأسیسات شدند. حالا هم آمریکایی‌ها ظاهر آ پیشنهاد تعلیق موقت را مطرح می‌کنند؛ اما تجربه نشان داده که این «موقت» هیچ‌گاه موقت نمی‌ماند.

از مذاکرات تأکید کرد این اقدام «داوطلبانه» است و برای اعتمادسازی با اروپا انجام می‌شود. روحانی روابط جدید ایران و اروپا را «مرحله‌ای نو» خواند و امیدوار بود این همکاری به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و تجارت منجر شود. اما این امیدواری دیری نپایید؛ چراکه گزارش البرادعی در آبان ۱۳۸۲، با وجود همکاری ایران، اتهامات جدیدی علیه برنامه هسته‌ای ایران مطرح کرد و زمینه‌ساز قطعنامه‌ای شد که به جای بستن پرونده، آن را پیچیده‌تر کرد.

■ اعتماد به آن‌ها اشتباه بود

بیانیه تهران که نتیجه مذاکرات پرتنش ۲۹ مهر ۱۳۸۲ بود، ایران را ملزم به تعلیق غنی‌سازی، اجرای پروتکل الحاقی و ارائه گزارش جامع فعالیت‌های هسته‌ای به آژانس کرد. ایران با حسن‌نیت به این تعهدات عمل کرد. گازدهی در نظنز متوقف شد، بازرسان آژانس دسترسی گسترده‌ای یافتند و گزارش مفصلی ارائه شد. اما اروپایی‌ها، برخلاف وعده‌هایشان برای به رسمیت شناختن حقوق ایران تحت NPT و جلوگیری از ارجاع پرونده به شورای امنیت، زیر فشار آمریکا رویکردشان را تغییر دادند. آن‌ها تفسیر «تعلیق» را به‌گونه‌ای گسترش دادند که شامل توقف قطعه‌سازی و مونتاژ سانتریفیوژها شود، هدفی که عملاً برنامه هسته‌ای ایران را فلج می‌کرد. حسن روحانی در کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» می‌نویسد محمد البرادعی، مدیرکل آژانس، تحت فشار اروپا از تعهد اولیه برای ارائه تفسیر محدود از تعلیق عقب‌نشینی کرد و تعریف گسترده‌تری ارائه داد که ایران را به سمت تعطیلی کامل تأسیسات سوق می‌داد. این خیانت به اعتماد، به گفته روحانی، نشان داد که اعتمادسازی یک طرفه ایران نه‌تنها نتیجه‌ای نداشت، بلکه بهانه‌ای برای زیاده‌خواهی غرب شد. این تجربه ایران را به این باور رساند که هرگونه امتیازدهی بدون تضمین‌های محکم، فقط به فشارهای بیشتر منجر می‌شود.

■ مروارید دادیم، آبنبات گرفتیم

بعد از سعدآباد، مذاکرات در بروکسل (اسفند ۱۳۸۲) و پاریس (آبان ۱۳۸۳) ادامه یافت. در توافق پاریس، ایران پذیرفت تعلیق را به «فعالیت‌های بازفراوری» و «ساخت سانتریفیوژها» گسترش دهد، اما باز هم اروپایی‌ها

پس از تأکید ایران برتداوم غنی‌سازی، رسانه‌های غربی با تهدید به جنگ برای ترساندن ایران به میدان آمدند

دیپلماسی ومیدان غرب

قدس و شهید سلیمانی هشدار دادند که مسئولان نباید سخنانی بگویند که هم‌سو با دشمنان باشد. این هماهنگی میدان و دیپلماسی در رویکرد کنونی غرب به‌وضوح دیده می‌شود. تهدیدهای مکرر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اقدام نظامی علیه ایران در صورت عدم توقف غنی‌سازی همراه با مذاکرات غیرمستقیم در عمان نشان‌دهنده استفاده هم‌زمان از ابزارهای نظامی و دیپلماتیک برای فشار بر ایران است.

■ ویتکاف به دنبال بازترکردن راه زیاده‌خواهی

ترامپ در اظهارات اخیر خود بارها ایران را به اقدام نظامی تهدید کرده و مدعی شده که در صورت عدم توافق بر سر توقف کامل غنی‌سازی، ایران «به شکوه‌ای بی‌سابقه» بمباران خواهد شد. او همچنین با اشاره به نقش رژیم‌صهیونیستی در رهبری چنین حمله‌ای، سعی در تشدید فشار روانی بر ایران دارد. اظهارات استیو ویتکاف، نماینده آمریکا در مذاکرات که ابتدا تلویحاً حق غنی‌سازی محدود ایران تا ۳٫۶ درصد را پذیرفت، اما پس از تهدیدات ترامپ و تحریف مواضعش توسط رویبو، خواستار برچیدن کامل تأسیسات هسته‌ای ایران شد، نشان‌دهنده تناقض و عدم انسجام در مواضع آمریکاست. ویتکاف حتی فراتر رفت و اعلام کرد که مذاکرات هسته‌ای تنها گام نخست است و آمریکا قصد دارد در آینده ایران را به بهانه‌های دیگر مانند حمایت از گروه‌های مقاومت تحت‌فشار قرار دهد. در مقابل سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، این تهدیدات را غیرواقعی خوانده و هشدار داده چنین رویکردی مذاکرات را به بن‌بست می‌کشاند. سعید خطیب‌زاده، معاون وزیر امور خارجه تأکید کرد هیچ کشوری نمی‌تواند ایران را از حق غنی‌سازی محروم کند. مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزارت خارجه نیز غنی‌سازی را دستاورد ملی و غیرقابل مذاکره خواند و رویکرد «غنی‌سازی صفر» را از ابتدا محکوم به شکست دانست. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه نیز ادعاهای آمریکا مبنی بر ارتباط غنی‌سازی ایران با تسلیحات هسته‌ای را «سفسطه آشکار» خواند و استدلال کرد که با منطی آمریکا باید تأسیسات غنی‌سازی بسیاری از کشورها تعطیل شود. این پاسخ‌های هماهنگ نشان‌دهنده وحدت داخلی در برابر تهدیدات خارجی و عزم ایران برای حفظ دستاوردهای هسته‌ای و استقلال خود است. برخلاف دوگانه‌سازی ظرفیت که میدان و دیپلماسی را در تقابل می‌دید، رویکرد کنونی ایران بر هماهنگی این دو تأکید دارد. موفقیت ایران در عملیات وعده صادق ۱ و ۲ که پایگاه‌های نظامی رژیم‌صهیونیستی را هدف قرار داد نشان‌دهنده قدرت میدان ایران است که دیپلماسی آن را تقویت می‌کند. این هماهنگی اثر اجتماعی تهدیدهای

رژیم‌صهیونیستی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران خبر داد. همچنین خبرگزاری رویترز به نقل از «سه منبع آگاه ایرانی» مدعی شد که ایران در صورت شکست مذاکرات آماده دفاع از خود خواهد شد. رویترز همچنین به نقل از منابع اروپایی ادعا کرد در صورت ناکامی مذاکرات کشورهای اروپایی مکانیسم ماشه را فعال خواهند کرد. وندی شرم، سرپرست هیئت مذاکره‌کننده آمریکایی در مذاکرات برجام‌نیز با اظهارنظر درباره احتمال وقوع جنگ در صورت اصرار ایران بر حق غنی‌سازی به این عملیات روانی دامن زد. این تحركات رسانه‌ای تلاش دارند ایران را در موضع ضعف قرار داده و افکار عمومی جهانی را علیه برنامه هسته‌ای آن بسیج کنند. این رویکرد یادآور مذاکرات برجام در سال ۲۰۱۵ است، زمانی که رسانه‌های غربی با بزرگ‌نمایی تهدیدات رژیم‌صهیونیستی تلاش داشتند فشار روانی بر تیم مذاکره‌کننده ایرانی را افزایش دهند. این عملیات روانی نشان‌دهنده تلاش غرب برای امتیازگیری از ایران از طریق تهدید و ارباع است. انتظار می‌رود در روزهای آینده حجم این جنگ تبلیغاتی افزایش یابد تا با ایجاد فشار مضاعف، ایران را بپذیرش خواسته‌های غیرواقعی طرف آمریکایی وادار شود.

■ هماهنگی میدان و دیپلماسی دراستراتژی غرب

انتشار اخباری مبنی بر آمادگی رژیم‌صهیونیستی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران که احتمالاً با هماهنگی کاخ سفید صورت گرفته، نشان‌دهنده این است که آمریکا مذاکره و تهدید نظامی را به‌صورت موازی پیش می‌برد. چیزی که پیش‌ازاین محمدجواد ظریف در مصاحبه‌ای با سعید لیلزار آن را نفی کرده بود و در ادامه نیز از موضع خود عقب‌نشینی کرد. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در مصاحبه‌ای با صداوسیما با اشاره به این استراتژی تأکید کرد که «بحث میدان و دیپلماسی یک بحث کاملاً غیرضروی بوده که بیخود این‌قدر به آن دامن زده شد؛ زردی‌د وجود ندارد که میدان و دیپلماسی دو مقوله هستند؛ اما همدیگر را تکمیل می‌کنند و در یک جهت و با یک هدف حرکت می‌کنند.» اظهارات ظریف در مصاحبه‌ای با سعید لیلاز در سال‌های پایانی دولت روحانی که این دوگانه‌سازی را مطرح کرد، با انتقادهای گسترده‌ای مواجه شد. او بعد‌ها در جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم و در بستی اینستگرامی تأکید کرد با دوگانه‌سازی مخالف است و میدان و دیپلماسی را مکمل می‌داند. رهبر انقلاب نیز در سخنرانی ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰، این دوگانه‌سازی را خطایی بزرگ خواندند و تأکید کردند که سیاست عملی کشور شامل برنامه‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک باید هماهنگ خرج کند. ایشان با اشاره به نارضایتی دشمنان از نفوذ منطقه‌ای ایران و نقش نیروی

رهبر انقلاب در مراسم بزرگداشت شهدای اردیبهشت در واکنش به مطالبه زیاده‌خواهانه طرف آمریکایی مبنی بر تعطیلی غنی‌سازی در ایران با تأکید بر اینکه ایران منتظر اجازه هیچ کشوری برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود نیست، به طرف‌های غربی به‌ویژه آمریکا، هشدار دادند که از «پاوه‌گویی» پرهیز کنند. این موضع‌گیری صریح جریان رسانه‌ای غربی را به تکاپو واداشته تا با احيای دوگانه کاذب «جنگ یا تسلیم»، فشار روانی و دیپلماتیک بر ایران را تشدید کند. رسانه‌هایی نظیر سی‌ان‌ان و رویترز با استناد به منابع مبهم و مقامات آمریکایی و صهیونیستی از آمادگی رژیم‌صهیونیستی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران خبر داده‌اند. همچنین اظهارات مقامات غربی مانند وندی شرم‌ن و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اقدام نظامی علیه ایران در صورت عدم توقف غنی‌سازی نشان‌دهنده تلاش هماهنگ غرب برای استفاده از دیپلماسی ترام‌با تهدید است تا ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های غیرواقعی کند. از سوی دیگر، ایران با اتکا به حقوق خود تحت پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) بر ادامه غنی‌سازی تأکید کرده است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران ضمن رد درخواست‌های غیرواقعی آمریکا هشدار داده که چنین رویکردی می‌تواند مذاکرات را به بن‌بست بکشاند. سایر مقامات ایرانی از جمله سعید خطیب‌زاده و مجید تخت‌روانچی نیز غنی‌سازی را دستاورد ملی و غیرقابل مذاکره دانسته‌اند و اتهامات مربوط به تسلیحاتی بودن برنامه هسته‌ای ایران را «سفسطه» خوانده‌اند. تهدیدات نظامی آمریکا با وجود سابقه عملیات موفق ایران در تقابل‌های اخیر با رژیم‌صهیونیستی و همچنین عقب‌نشینی آمریکا در برابر یمن از اعتبار چندان‌ی برخوردار نیست بااین‌وجود این تهدیدها همراه با مذاکرات غیرمستقیم نمودی از به کارگیری میدان برای پشتیبانی از دیپلماسی است تا به این ترتیب گزاره‌هایی که محمدجواد ظریف در مورد تفکیک دیپلماسی و میدان مطرح می‌کرد بار دیگر زیر سؤال برود. دوگانه‌ای که اخیراً عراقچی نیز در مصاحبه با صداوسیما به آن واکنش نشان داد و تأکید کرد این دو مقوله مکمل یکدیگرند و در راستای منافع ملی عمل می‌کنند و طرح آن غیرضروری» و دامن‌زدن به آن «بی‌خود» بود. رهبر انقلاب نیز پیش‌تر در سال ۱۴۰۰ این دوگانه‌سازی را خطایی بزرگ خوانده و بر هماهنگی سیاست‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک تأکید کرده بودند.

■ عملیات روانی برای تحریک افکار عمومی

شبکه‌سی‌ان‌ان به نقل از مقامات آمریکایی و یک مقام صهیونیستی، از آمادگی

